



فصلی از کتاب فقر جهان که در تابستان  
سال آینده منتشر خواهد شد

فقر جهانی

# و ترندهای تجارتي

نویسنده: گونامیر دال

ترجمه: قهرمان قدرت نما

دبیرخانه داک بعنوان يك سازمان حرفه‌ای  
نباید ارقام خود را بدون یادآوری اینکه اینها ارقام  
خالص حقیقی نیستند به صورت جریانات خالص  
نشان بدهد. و نیز حرفه‌ایهای حقوق‌بگیر  
نمی‌توانند با اظهار اینکه آنها فقط دستوره‌ای  
کارفرمایشان یعنی دولت‌ها، را اجرا کرده‌اند  
برای کارهای غیر اخلاقی خود دلیلتراشی‌کنند

خالصی (1) وجود دارند یا اینکه بعکس جریان  
خروجی است.  
میدانیم که این جریانات خالص ورودی یا  
جریانات خروجی باعث انفجار وام‌ها و بالا رفتن  
باز پرداخت‌های اصل و فرع در کشور های عقب  
مانده می‌شوند و بدینوسیله فعالیت‌های توسعه‌زا  
را خنثی می‌سازند.

بسیاری از سیستم‌های آماری مشهور جهان،  
و از آن جمله آمار داک، که همه جا بعنوان  
ارقام معتبر نقل می‌شوند، این مسئله را کاملا  
حل نشده باقی می‌گذارند که کل جریانات خالص  
خصوصی منابع از کشورهای پیشرفته به کشورهای  
عقب مانده چقدراند، و در واقع، اصولاً برای  
بسیاری از کشورهای عقب‌مانده، چنین جریانات

مؤثر مجمع عمومی سازمان ملل و اعلام سالهای ۱۹۶۰ بعنوان دهه توسعه، کشورهای پیشرفته مجبور شدند، که در اصول، حداقل کمی رابه کشورهای عقب مانده و برای برنامه های عمرانی آنها، قبول کنند، این حداقل را بر حسب «جریانات خالص» مرکب و بر مبنای یک درصد درآمدهای ملی اعلام کردند. در سال ۱۹۶۸، در دومین اجلاس کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل حداقل فوق بامینا قرارداد تولید ناخالص ملی- بجای درآمد ملی-به اندازه ۲۵ درصد بالا

کشورهای عقب مانده نیز بدون اینکه دید انتقادی خاصی داشته باشند، برای اندازه گیری رشد تولید و درآمد از این ارقام و آمار خیالی استفاده جسته اند.

بعلاوه، اینها مفهوم «جریانات خالص» مالی عمومی و خصوصی دبیرخانه داک را پذیرفته اند. این بگمان من لغزش زبان آورتی است، زیرا که مفهوم فوق برای کشورهای پیشرفته ساخته و پرداخته شده است.

موقعی که در سال ۱۹۶۱، بدنبال اعلامیه

و دنیای اقتصاد و تجارت نیز بطور کلی برای اینکه ارقام فوق را بدون انتقاد و در نهایت بی توجهی - اغلب بعنوان «کمک های مربوط توسعه» یا «کمک های توسعه» - بکار می برد - نمی تواند بیگناه شناخته شود.

از این میان، مسئولیت دبیرخانه های سازمان های بین المللی درون سازمان ملل و بیرون آن از همه بیشتر است. برای این سازمان ها، بعطت کوشش هایی که از جنگ دوم بیمه در زمینه جمع آوری و آمارهای تطبیقی جهانی، در چند رشته مهم میباید داشته اند، باید احترام فراوانی گذاشت. لیکن، اینها نیز داده های دولتها را بدون بکار بردن مفاهیم روشن و دید انتقادی واقعی از ضعف آنها، مورد استفاده قرار می دهند.

اینها، بین خود بخصوص در زمینه حدود مسئولیت ها، اختلاف دارند، ولی در روابطشان یک نکته را بازاکت تمام رعایت می کنند و آن اینکه آمار یکدیگر را بدون انتقاد قبول دارند. آخر اگر غیر از این شود صورت خوشی ندارد. از اینرو، آمار مربوط به رشد درآمدها و تولید، و نرخ رشد کشورهای عقب مانده که بتوسط اداره آمار سازمان ملل تهیه می شوند به سادگی و بدون دید انتقادی و توجه به معنا، ارتباط، یا اعتبار آنها مورد قبول دبیرخانه های دیگر سازمان قرار می گیرد.

دبیرخانه یونسکو درباره باسوادی و نام نویسی در مدارس آماری منتشر می کند که، سخت ضعیف و همراه کننده اند.

اگر دبیرخانه دیگری به مسائل آموزشی بپردازد، و آمار یونسکو را همانطور که هست نپذیرد، کار غیر دوستانه ای کرده است. و چالب اینکه دهفت این دبیرخانه ها در استفاده از آمار فوق از یونسکو گفتمی گشت.

ادب غیر اخلاقی فوق و رعایت موسسات دولتی، موجب می شود که از ارزش عملی همکاری های سازمان های بین المللی کاسته شود. این رویداد، و این واقعیت که سازمان های فوق دچار دیوانسالاری شده و رویهمرفته قدرت جلب آدمهای خیلی مهم شایسته را در بعضی از رشته ها از دست داده اند، باعث شده است که آمار این سازمان ها از قدرت و امکان کاربرد کافی برخوردار نباشند.

عوامل فوق موجب شده اند که داک سالهای متوالی آمار خود را منتشر کند و سازمان های دیگر بین المللی بدون انتقاد از آن ها بگذرند. در واقع، اینها آمار فوق را نقل قول کرده و مورد استفاده نیز قرار داده اند.

سختگویان سیاسی کشورهای عقب مانده و اقتصاددان های آنها رویهمرفته درباره این نحوه بازی با آمار خود را به بیخیالی زده اند. در ظاهر بنظر می رسد که اینها تقصیر بزرگی نداشته باشند، زیرا که ساز را کارشناسان کشورهای پیشرفته با تفاق آراء کوفه کرده اند.

از اینرو، حتی سختگویان و کارشناسان



رضا پیری

رفت ، در اینحال نیز از واژه چند بهنو و مبهم «جریانات» استفاده بعمل آمد.  
کشورهای عقب مانده ، ظاهرا چون کمک های بزودی دریافت می داشتند ، زیاد وارد جزئیات و نامگذاریها شدند  
ولی چنانکه گفتیم ، این فرار از یک مسئله رازنه شناختی است .

مسئله اساسی جریانات خروجی متافع و سرمایه ها از کشورهای عقب مانده ، که در آمار نمی آیند ، نیز زیاد خوشایند نمایندگان این کشورها نیست و صلاح می دانند که صدایش را در نیاورند . این نمایندگان یا متعلق به اولیگارش حاکم ، یا در خدمت آنها هستند ، و از اینرو ، از فقر و وابستگی های سیاسی و اقتصادی مملکت خود برای استفاده شخصی و پرکردن جیب خود و دیگران استفاده می کنند .

لیکن ، با تمام این احوال در سالهای بعد ، سروصدای کشورهای عقب مانده مجمع عمومی سازمان ملل را واداشت تا نگرانی خود را نسبت به «میزان فزاینده خروج سرمایه از کشورهای در حال توسعه که حجم خالص (۲) منابع خارجی در اختیار این کشورها را کاهش می دهد» ابراز کند . دبیرخانه سازمان ملل در نشریات خود بنام «تامین سرمایه های خارجی برای توسعه اقتصادی (۳) تخمین هایی از این «حجم خالص» را بدست داده است .

گرچه این تخمین ها خام تر از آنند که بشود نقل شان کرد ، ولی می توانند بطور کلی بگویند که جریانات خروجی کل ، شامل متافع و سرمایه ها (اغلب فرار سرمایه) از دنیای عقب مانده در فایت امره ، تقریبا در حدود کل جریانات خالص ، خصوصی و رسمی آمار داک هستند ؛ مخصوصا اینکه ارقام مربوط به «جریانات رسمی» همانطور که میدانیم اغلب ساختگی اند .

برای بعضی از کشورها ، بویژه کشورهای آمریکای لاتین ، همان می رود که جریانات خروجی فوق پنج برابر کل جریانات ورودی ادعا شده ، باشند . سناتور لیبرال ایالات متحده ، چارلز مکسی ماتیس (۴) ضمن انتقاد از سیاستهای اعطای کمک های کشور خود به بدون رود ریاستی گفت که «جریانات سرمایه از آمریکای لاتین به ایالات متحده اکنون بیش از چهار برابر جریانات مشابه از آمریکا به جنوب هستند» . در واقع ، کشورهای آمریکای لاتین به ایالات متحده ، تروتمند ترین کشور جهان کمک خارجی می دهند .

در اوائل امسال ، علیرغم توصیه دولتهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه ، مسئله «خروج منابع سرمایه کشورهای در حال توسعه» در یکی از کمیته های کمیسیون تجارت و سرمایه سازمان ملل مطرح گشت . از کمیسیون فوق خواسته شد که موضوع را مطالعه کند و (بخصوص باین امر توجه نماید که آیا ممکن است

در سطح بین المللی تدابیری بر این کنترل خروج منابع فوق از کشورهای در حال توسعه به کشور های پیشرفته که با هدفهای توسعه کشور های گروه اول مقابله است ، اتخاذ گردد» باید صبر کرد و نتیجه مطالعه را دید .

کار دبیرخانه داک خصوصیات غریب دیگری نیز دارد . مثلا قبلا از انتشار جهانی ارقام مربوط به «جریانات» ، باید اثرات توری شاخص قیمت ها را نیز بحساب آورد ، در صورتیکه چنین عملی صورت نمی گیرد .

«جریانات» را بصورت «مالی» نشان می دهند ، حال آنکه اینطور نیست . بنابراین برای اینکه استفاده از آمار بطرز صحیحی صورت گیرد ، باید در باره قیمت های «منابع» مختلفی که انتقال داده می شود ، آگاهی های بیشتری در دسترس باشد . بعلاوه ، سرمایه گذاران بفرار از سود خود دنبال متافع دیگری هستند ، که آشکار کردن آنها بسیار بجا و ضروری است .

در مورد ارقام داک درباره «جریانات رسمی» اخیرا عطا لعات دقیقی صورت گرفته است . این مطالبات نشان میدهد که چگونه آمار داک مملکت تعصبات ژرف خود ، کمک های عمومی را چندین برابر واقع نشان میدهند .

ولی نوشته از این مسائل شاخوشانند ، بردسی آمار دبیرخانه داک انسان را دچار این توهم می سازد که تکنیک دبیرخانه مزبور اصولا بد تحقیقات علاقه ای ندارد ، یا اینکه دولتها در این مورد جلوش را میگیرند ، بعضی اوقات بنظر می رسد که برای این دبیرخانه حتی ظرافت طبیعی نیز باقی نمانده است ، چه در آمار داک دولتی مثل دولت سابق برتغال (۵) همه ساله به تناسب داشتن بالاترین «جریان» به کشورهای عقب مانده در قیاس با تولید ناخالص ملی این کشورها می نماید .

برای تبیین چرایی امر فوق فقط ذکر یک پاورقی کافایت . دولت مهم باعث بالا رفتن مقام برتغال در مورد فوق هستند . اول اینکه ، کشور مزبور مدتهاست که بجز چندین فعالیت بزرگ اقتصادی و کسب و کار ، که عمدتا بنوسط کشور های جامعه اروپایی تجارت آزاد (۶) و برای بهره برداری از دستمزدهای بسیار پائین صورت پذیرفته ، فقیر و راکد باقی مانده است . در این کشور میزان مرگ و میر اطفال بسیار بالا و سطح زندگی بسیار پائین است . بیسوادی در میان توده ها ، بخصوص در نواحی بزرگ و روستایی زیاد است .

درواقع برتغال بهمان اندازه دو کشور دیگر اسپانیا و یونان که در آمار داک جزو کشورهای عقب مانده محسوب می شوند ، و بنابراین برای عضویت در باشگاه اعضای تروتمند داک دعوت نشده اند ، عقب مانده است . مقصود اینکه تولید ناخالص ملی این کشور ، که «جریانات» بر حسب آن محاسبه می شوند ، بطرز غریبی پائین است .

دوم ، برتغال بعلت درگیری در جنگ های طولانی استعماری با «ایالات» خود در آفریقا مقادیری از «جریانات» خود را همراه با «جریانات» دیگری که مطابق گزارش های داک از کشورهای دیگر سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه خارج می شوند با نجا می فرستند .

مسائل متعدد مهم دیگری نیز هستند که بیش از توجیهی که دبیرخانه های داک یا سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه یا دبیرخانه های سازمان های بین المللی دیگر ، منجمده کمیسیون تجارت و توسعه سازمان ملل ، به آنها می کنند نیاز به مطالعه دارند .

مثلا باید بدانیم که آیا سرمایه گذاریهای بعمل آمده ، انواع تازه ای هستند یا تقویت سرمایه گذاریهای گذشته اند . سرمایه گذاریهای قدیمی ممکن است امتیازاتی باشند که به مشرکتهای خارجی داده شده اند و با هدف های توسعه کشور های عقب مانده سازش ندارند .

و نیز باید در تجزیه و تحلیلی جامع مشخص شود که جهت این «جریانات» به سوی کدام یک از رشته های اقتصاد کشورهای عقب مانده است . سرمایه گذاریهای جدید خارجی در صنایع نفتی و استخراج مواد معدنی با تقاضای بالا ، در بعضی از کشورهای عقب مانده ممکن است برای این کشور ها ، با حداقل برای حاکمان آنها سودمند باشد . ولی اثرات عمرانی این سرمایه گذاریها ، از سرمایه گذاریهایی که در بعضی از رشته های صنایع ساخت مصنوعات بعمل می آیند ، معمولا کمتر است .

همین امر در مورد سرمایه گذاریهایی که بزودی کشور های بزرگ ، بویژه در آمریکای لاتین بعمل می آیند نیز صادق است .

می توان امیدوار بود که در آینده سازمان های متشکل از کشور های پیشرفته و عقب مانده ، مانند سازمان ملل ، اینگونه مسائل ، بویژه مسئله «جریان» سرمایه های خصوصی را با دقت عمیقتری مورد مطالعه قرار دهند . لیکن ، حتی این سازمان ها نیز از قدرت زیاد کشور های پیشرفته بی تاثیر نمی مانند . این زمینه ای است که محققان و دانشجویان غیر وابسته ، می توانند تحقیق دقیق و جالبی درباره اش انجام دهند . لیکن ، از ابتدا تا بحال معجزه بزرگی ندیده ایم .

### حواشی

- 1) Net flow
- 2) Net Volume
- 3) The External Financing of Eco-
- 4) Charles Mec. Motlías, Jr.
- 5) Petly fascist
- 6) European Free trade Association